



Vol.17, No. 41, Autumn 2022,

Quarterly

ISSN: 1735-4536

Islamicedu@irhu.ac.ir

## A Critical Analysis of Educational Discourse in Children's Religious Fiction: Analyzing the Fiction Flying to the Planet of Freedom

Alireza Moqadam (PhD in the Philosophy of Education, Lecturer at Imam Ali Military University,

alirezamoghadam1354@gmail.com)

### ARTICLE INFO

#### Article History

Received: 2021/12/17

Accepted: 2022/7/4

#### Key Words:

Children's religious literature,  
discourse analysis,  
education,

Mahmoud Hakimi

### ABSTRACT

Children's fiction is one of the most effective forms of non-formal education; Influenced by the existing ideology and discourses, it focuses on some educational elements. Mahmoud Hakimi, as one of the most prolific children's writers in the social and political atmosphere of the years before the Islamic Revolution and in opposition to the discourse of the domination system, has written stories for children and chosen religious education, which was concern for him and a part of the intellectual community at that time, as the appropriate content for his stories. The present study aims to analyze and explain the fiction the Flying to the Planet of Freedom, which is a religious fiction, in order to extract some educational elements including educational objectives, behavioral patterns, and educational methods paid more attention by ideologies. The research method is critical discourse analysis through purposive sampling. The findings of this study confirm five discourses in terms of discourse analysis. Hakimi has explained and criticized four common discourses of his time: Marxist Left, Christianity, Nationalism, and Secularism. The fifth discourse is the discourse of Shia Islam and the dominant discourse, and the educational themes in this work have been formed under the influence of this discourse and in opposition to other discourses, and while marginalizing other discourses, it has given its own discourse superiority.

## تحلیل انتقادی گفتمان تربیتی در ادبیات داستانی دینی کودکان:

### تحلیل داستان پرواز بهسوی سیاره آزادی

علیرضا مقدم (دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، مدرس دانشگاه افسری امام علی<sup>ع</sup>؛ alirezamoghadam1354@gmail.com)

#### چکیده

#### اطلاعات مقاله

ادبیات داستانی کودکان یکی از مؤثرترین اشکال تعلیم و تربیت غیررسمی است؛ که متأثر از ایدئولوژی و گفتمان‌های موجود برخی عناصر تربیتی را در کانون توجه قرار می‌دهد. محمود حکیمی به عنوان یکی از پرکارترین نویسندهای کودکان در فضای اجتماعی و سیاسی سال‌های قبل از انقلاب اسلامی و در تقابل با گفتمان نظام سلطه به نگارش داستان‌هایی برای کودکان پرداخته است و تربیت دینی را که دغدغه‌ی خود و بخشی از جامعه روشنفکری آن زمان بود را محتوای مناسب برای داستان‌هایش انتخاب کرده است. پژوهش حاضر با روش تحلیل گفتمان انتقادی و به صورت هدفمند داستان «پرواز بهسوی سیاره آزادی» را که از گونه داستان‌های دینی است، با هدف استخراج برخی عناصر تربیتی شامل اهداف تربیتی، الگوهای رفتاری و روش‌های تربیتی که در نظام‌های اعتقادی (ایدئولوژی‌ها) بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند، تحلیل و تبیین کرده است. نتایج این پژوهش از نظر تحلیل گفتمانی وجود پنج گفتمان را تأیید می‌کند. حکیمی چهار گفتمان را این‌عصر خود یعنی؛ گفتمان چپ مارکسیست، مسیحیت، ملی گرایی و سکولار را توصیف و موردنقد قرار داده است. گفتمان پنجم، گفتمان اسلام شیعه و گفتمان غالب و تعلق گفتمانی او است و مضامین تربیتی در این اثر متأثر از همین گفتمان و در تقابل با سایر گفتمان‌ها شکل‌گرفته و ضمن به حاشیه بردن سایر گفتمان‌ها، گفتمان خود را برتری بخشیده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۳

#### واژگان کلیدی:

ادبیات دینی کودکان،

تحلیل گفتمان،

تعلیم و تربیت،

محمود حکیمی

ادبیات کودکان پرداخته‌اند، معتقدند که ایدئولوژی‌ها، نظام‌های اعتقادی هستند که در هر جامعه، برای ایجاد مفهومی از جهان، به اشتراک گذاشته و استفاده می‌شوند؛ همچنین در سخن گفتن و رفتار یک اجتماع نفوذ می‌کند و اساس فعالیت‌ها و نمودهای اجتماعی اعضای گروه را شکل می‌دهند. از سوی دیگر گفتمان ادبی نیز به‌گونه‌ای بیشتر خودآگاه، در خدمت تولید، بازتولید و به چالش کشیدن ایدئولوژی‌ها است؛ بنابراین تمامی جنبه‌های گفتمان متبنی از ایدئولوژی آکنده هستند و به وسیله آن ساخته می‌شوند. متن‌هایی که برای کودکان تولید می‌شوند، به‌ندرت ایدئولوژی را به صورت درون‌مایه انتخاب می‌کنند؛ بلکه یا به صورت ضمنی، کاربرد اجتماعی ایدئولوژی را در تعریف ارزش‌های گروهی بازتاب می‌دهند و یا به دنبال آن‌اند که ایدئولوژی‌های پذیرفته شده را به چالش بکشند و آنها را با ساختارهای جدیدی جایگزین کنند. هیچ روایتی خالی از ایدئولوژی نیست و از آنجا که روایت‌هایی که به خوانندگان کم‌سال اختصاص یافته‌اند، مدعی تمرکز اصلی بر شخصیت‌ها و رویدادهایی هستند با کنش‌های دنیای واقعی این خوانندگان هم‌شکل‌اند، این روایت‌ها همواره با لایه‌های هم‌پوش جایگاه‌های ایدئولوژیک پوشیده شده‌اند روایت ممکن است با مشکل‌های اجتماعی ویژه‌ای به عنوان جنبه‌های داستان یا درون‌مایه سروکار داشته باشد و کم و بیش نگرش‌های آشکاری را در مقابل این معضل‌ها ابراز کند. جز این صورت، چنانچه روایت، نیت آشکاری نداشته باشد، معمولاً ایدئولوژی نهان را در قالب ساختارهای مفروض اجتماعی و عادت‌های فکری بیان می‌کند؛ بنابراین ایدئولوژی‌ها می‌توانند در کتاب‌هایی که باورها و پندارهای ناخودآگاه نویسنده‌گان و خوانندگان را بازتولید می‌کنند، قدرتمندتر عمل کنند چنین متن‌هایی ایدئولوژی را به صورت نامحسوس در می‌آورند و با طبیعی جلوه‌دادن آنها، به موقعیت‌های ایدئولوژیک پنهان مشروعيت می‌بخشند (آقاپور، ۱۳۹۷، ص. ۸).

به عبارت دیگر، یک کتاب که برای خواننده ظاهرًا بدون ایدئولوژی به نظر می‌رسد در واقع نزدیک به پیش‌فرضهای ناخودآگاه آن خواننده است و شناسایی چنین ایدئولوژی‌هایی اغلب نیاز به

## مقدمه

داستان‌های دینی به مفهوم سنتی و کهن آن برای سده‌های بلند در جامعه ایران حضور داشته است که یا ریشه در دین زرده‌شی داشته و یا ریشه در داستان‌های قرآنی و اسلامی. ویژگی بارز این داستان‌ها آن بود که با بهره‌گیری از آموزه‌های اخلاقی، کودکان و مخاطبان خود را به رستگاری رهنمون می‌شدند؛ اما داستان‌های دینی نو که در سده بیستم میلادی وارد فرهنگ و ادبیات ایران شد دارای تفاوت بناهای دینی با نسل قبلی این داستان‌ها بودند. نگرش نویسنده‌گان این‌گونه داستان‌ها به دین فراتر از آموزه‌های اخلاقی می‌رفت و خواهان دخالت دین در زندگی اجتماعی و سیاسی جامعه بود تا بتواند در زندگی مردم دگرگونی پدید آورد (محمدی و قایینی، ۱۳۹۴، ج. ۹، ص. ۶۱۰). این شیوه داستان‌نویسی اگرچه خود در واکنش به شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه آن عصر به وجود آمده بود تا بتواند در زندگی مردم دگرگونی ایجاد کند. نویسنده‌گان داستان‌های دینی کودکان با نگرش و جهان‌بینی دینی خود در مقابل جامعه نادلخواه خود به خلق آثاری پرداختند.

مطالعه زبان‌شناسی انتقادی ادبیات کودکان حوزه جوانی است؛ اما تعدادی از محققان اذعان دارند که ادبیات کودکان نوعی گفتمان است که می‌تواند خوانندگان خود را تحت تأثیر قرار دهد. سطح ایدئولوژیک ادبیات کودکان توانایی تلقین، تحول و توانمندسازی خوانندگان خود را دارد (کیز و مک‌گیلیکادی، ۲۰۱۴، ص. ۱۱-۲۰). داستان‌های کودکان، مانند دیگر انواع گفتمان تا حد زیادی براساس ارزش‌ها و باورهای شخصی (ایدئولوژیکی) کسانی که آنها را می‌نویسنده شکل‌گرفته است؛ به عبارت دیگر، ساختار زبانی این داستان‌ها منعکس‌کننده موضع ایدئولوژیک نویسنده آن است (سیمپسون و مایر، ۲۰۱۰، ص. ۵). علاوه بر این، ایدئولوژی در ادبیات کودکان نه تنها منعکس‌کننده موضع ایدئولوژیک نویسنده‌گان است، بلکه اغلب موضع جامعه‌ای را که بخشی از آن هستند نیز نشان می‌دهد. از سوی دیگر ممکن است نویسنده‌گان از طریق نوشته‌های خود در برابر ایدئولوژی حاکم بر جامعه مقاومت نشان دهند.

استیونز<sup>۱</sup> و مک‌کالم<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) که به مطالعه ایدئولوژی در

2. Mcallum, M

1. Stephens, J

## چارچوب نظری و روش‌شناسی پژوهش با تأکید بر رویکرد نورمن فرکلاف<sup>۳</sup>

در این بخش بنا داریم که مبانی نظری و روش‌شناسی پژوهش را توانمان بیاوریم؛ چراکه در تحلیل گفتمان نظریه و روش به یکدیگر پیوند خورده‌اند. درواقع هریک از رویکردهای تحلیل گفتمان صرفاً یک روش تحلیل داده نیست؛ بلکه یک کل نظری و روش‌شناختی یا یک بسته کامل‌اند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۴، ص ۲۱). وقتی بخواهیم از جنبه روشی به تحلیل گفتمان نگاه کنیم، ناگزیر به طرح مباحث نظری نیز هستیم زیرا در تحلیل گفتمان رابطه تنگاتنگی بین نظریه و روش تحلیل گفتمان وجود دارد و این دو، چنان درهم‌تنیده شده‌اند که جدایی آنها عمل‌آمکن نیست. تحلیل گفتمان نه یک رویکرد واحد، بلکه مجموعه‌ای از رویکردهای میان‌رشته‌ای است که می‌توان از آنها در انواع گوناگون مطالعه‌ها و برای کندوکاو در قلمروهای مختلف اجتماعی استفاده کرد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۴، ص ۱۷-۲۱). اصلی‌ترین نظریه‌پرداز تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است که به نقش فعال گفتمان در ساختن جهان اجتماعی تأکید می‌کند. فرکلاف اصرار دارد که گفتمان صرفاً یکی از جنبه‌های مختلف هر عمل اجتماعی است. موضوع مورد علاقه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف پژوهشی دربارهٔ تغییر است. کاربردهای انضمامی زبان همواره متکی بر ساختارهای گفتمانی پیشین‌اند، ساختارهایی که کاربران زبان براساس معانی از پیش تعیین شده، ساخته‌اند. فرکلاف با استفاده از مفهوم میان‌متیست - یعنی نحوه اقتباس یک گفتمان از مؤلفه‌ها و گفتمان‌های سایر متون - توجه را بر این امر متمرکز می‌کند. کاربرد انضمامی زبان از طریق تلفیق مؤلفه‌های گفتمان‌های مختلف است که می‌تواند تک‌تک گفتمان‌ها و درنتیجه جهان فرهنگی و اجتماعی را تغییر دهد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۴، ص ۲۶-۲۷).

در این پژوهش از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف استفاده شده است؛ ازان رو که رویکرد فرکلاف نوعی تحلیل

<sup>۳</sup>. نورمن فرکلاف (Norman Fairclough) متولد ۱۹۴۱ زبان‌شناس و پژوهشگر بریتانیایی و استاد بازنیسته دانشگاه لنکستر است. او از بنیان‌گذاران تحلیل گفتمان انتقادی به‌شمار می‌رود.

4. Marianne, Jorgensen and Louise, Phillips

خوانش پیچیده‌ای از زبان متن و گفتمان روایی دارد و از آنجا که گفتمان نوشتاری و شفاهی می‌تواند به‌طور مستقیم ایدئولوژی را بیان و منتقل کند (ون‌دایک، ۲۰۱۵)، تحلیل گفتمان انتقادی<sup>۱</sup> یک ابزار مناسب برای آشکارسازی ایدئولوژی در ادبیات کودکان است. در میان نویسنده‌گانی که به خلق داستان‌های دینی نو برای کودکان پرداختند محمود حکیمی چهره شناخته‌شده‌تری است (محمدی و قایینی، ۱۳۹۴، ص ۶۱۲) که در داستان‌هایش به تحولات سیاسی و اجتماعی و انسان‌نگاه ویژه‌ای دارد. در آثار حکیمی نمودهای زیادی از مذهب شیعه و ارزش‌های اسلامی که در تطابق با سرشت جامعه ایرانی است بازتاب یافته است. بنابراین تحلیل انتقادی گفتمان آثار او می‌تواند فهم مطلوبی را در این خصوص برای ما صورت‌بندی کند. این مقاله از طریق تحلیل گفتمان انتقادی به دنبال شناسایی گفتمان یا گفتمان‌ها و مضامین تربیتی متأثر از این گفتمان‌ها و همچنین ساختارهای اجتماعی و سیاسی مولد آنها در داستان پرواز به‌سوی سیاره آزادی محمود حکیمی است.

### پیشینه پژوهش

جست‌وجوی محقق در میان منابع داخلی و خارجی، برای یافتن مقاله‌ی کتابی که در پی تحلیل گفتمان تربیتی آثار محمود حکیمی باشد تاکنون بی‌نتیجه بوده است؛ اما در زیر به برخی تحقیقات مشابه اشاره می‌کنیم: تحلیل محتوای کیفی قصه‌های صمد بهرنگی به‌منظور بررسی امکان استخراج مضامین تربیتی انتقادی از برخورداری و مدنی (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی مبانی فلسفی تربیتی و شگردهای جلوه‌گری مقوله‌های «اقتدار و آزادی» در داستان‌های فارسی و انگلیسی کودکان از شیروانی‌شیری (۱۳۹۲)، بررسی زبان‌شناختی ادبیات جنگ برای کودکان در ایران از دیدگاه گفتمان‌شناسی انتقادی از مدددادی (۱۳۸۹)، بررسی جنبه‌های تربیتی کودک و نوجوان در افسانه‌های منطقه گوران کرمانشاه از محمدخانی (۱۳۸۲)، ادبیات کودکان و آموزش غیررسمی: بازنمایی تنوع در ادبیات کودکان فنلاند، پسونن<sup>۲</sup> (۲۰۱۰).

1. Critical discourse analysis

2. John. Pesonen

بین ساختار دیدگاه‌های فکری و اجتماعی عام و ساختارهای گفتمان مدار را کشف و تبیین کد (تبیریزی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۰). برای تحلیل گفتمان به تجزیه و تحلیل متن منتخب خواهیم پرداخت. از آنجا که با گفتمان سروکار داریم، در این پژوهش، واحد تحلیل ما و داده‌های این پژوهش متنی است. تحلیل این متن براساس سطوحی که فرکلاف در روش تجزیه و تحلیل گفتمان تعریف کرده است، در سه سطح انجام می‌گیرد: ۱. سطح توصیف؛ ۲. سطح تفسیر و ۳. سطح تبیین. در سطح توصیفی به توصیف گفتمان معینی می‌پردازد. سطح دوم یا سطح تفسیر به معناکاوی متن در زمینه‌ای معین اهتمام دارد و سطح سوم یا تبیین، ناظر بر علت کاوی درون زمینه اجتماعی خاص است. بر مبنای منطق تحلیل روش کیفی در تحلیل گفتمان سه عنصر کلیدی موردنویجه قرار می‌گیرد: ۱. متن؛ ۲. بافت متن و ۳. بافت موقعیتی. به طورکلی در تحلیل گفتمان، فرآیند پژوهش از سطح نظری آغاز می‌گردد. پس از فرموله کردن مسئله پژوهش و تبیین نظری آن، در مرحله تجربه (مقام گردآوری داده‌ها) به جای پرسش از فرد، از متن پرسش می‌شود؛ در این روش واحد مشاهده متن است (ساعی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵).

«دانستان پرواز بهسوی سیاره آزادی» به خوبی دغدغه‌های ویژه حکیمی نسبت به نفوذ فرهنگ و ادبیات غرب در ایران را نشان می‌دهد. او در این داستان، به ترسیم فضای سیاسی-اجتماعی و فرهنگی دهه پنجاه اشاره می‌کند و با بهره‌گیری از آیه‌های قرآن و گفته‌های بزرگان دین کودکان را با ارزش‌های اسلام شیعه آشنا می‌کند. موضوع دیگری که این اثر را در بین آثار حکیمی دارای ارزش پژوهشی می‌کند گفته‌های متنوع اجتماعی شخصیت‌های داستان است؛ چراکه به اعتقاد میخاییل باختین<sup>۳</sup> هر اثر داستانی که واجد صدای گوناگون باشد، دارای ارزش پژوهشی است (احمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸). در این رمان می‌توان، سطوح سه‌گانه رویکرد فرکلاف به تحلیل گفتمان را مورد بررسی قرارداد.

### خلاصه داستان

پرواز بهسوی سیاره آزادی داستان سفینه‌ای فضایی است به نام

3. Mikhail Mikhailovich bakhtin

گفتمان متن محور است و بر اهمیت تحلیل نظام مند زبان گفتار و نوشtar، تأکید دارد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷) و همچنین یک روش ایده‌آل برای ارزیابی زمینه‌های اجتماعی است که هدف اصلی آن ساختارشکنی مفروضات ضمنی در زبان است (پارکر، ۱۹۹۲، ص ۱۳۷). به اعتقاد پوند<sup>۱</sup> گرچه تحلیل گفتمان انتقادی عموماً در مورد تجزیه و تحلیل گفتمان سیاسی کاربرد دارد؛ می‌توان آنها را برای تمام متنی که با هدف متقااعد کردن یا تأثیر بر نظر یا رفتار خواننده سروکار دارد، از جمله ادبیات کودکان اعمال کرد (مارتینز، ۲۰۱۵، ص ۷). فرکلاف بر اهمیت بازنمایی واقعیت و رابطه بین متن و واقعیت تأکید می‌کند. به طور خاص، بازنمایی گفتمان در «دانستان پرواز بهسوی سیاره آزادی» با تطبیق تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف که به ویژه بر زمینه اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد، تحلیل می‌شود. مطابق نظر فرکلاف بین گفتمان و چارچوب متنی تعامل وجود دارد. با به کارگیری تحلیل گفتمان انتقادی، استراتژی زبانی در متن را می‌توان بیرون کشیده و شرح داد و موضع ایدئولوژیک نویسنده یا گوینده را کشف کرد (ماچین و مایر، ۲۰۱۲).

بنابراین پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر رویکرد تحلیل گفتمان است که به عنوان یکی از صور روش‌های کیفی در مباحث روش‌شناسی مکاتب تفسیرگرها و هرمنوتیک محسوب می‌شود؛ زیرا در تحلیل گفتمان به جای شمارش و مقادیر آماری با معناشناسی کاربردی متن سروکار داریم. در این روش محقق تحلیلگر می‌کوشد یک گفتار یا گفتمان را با کاربرد اجتماعی و مضمون معنایی اش تعبیر و تفسیر کند. در واقع تحلیل گفتمان روشی است در جهت توصیف، تفسیر و تحلیل غیر کمی و کیفی یک کلام، متن و یا گفتمان و تعیین جایگاهی که آن کلام، متن و یا گفتمان به آن جایگاه تعلق دارد و نیز فهم کارکردی که متن، یا کلام و یا گفتمان در جامعه داراست. فرکلاف در تعریف خود از روش تحلیل گفتمان متذکر می‌شود که در این روش تحلیل‌گر با برداشتن بخشی از متن یا کلام یا گفته‌ای، مقطعی از اجتماع را برای تحلیل و تفسیر خود بر می‌گزیند و می‌کوشد ارتباط

1. Pounds. G

2. David Machin and Andrew Mayr

## تحلیل گفتمان انتقادی داستان پرواز بهسوی سیاره آزادی سطح توصیف

سطح توصیف شامل تحلیل زبانی در چارچوب واژگان، دستور و ساختهای معنایی در سطح فراتر از جمله می‌شود. بسیاری از نویسندهای رانر تخیلی، ممکن است داستانشان را با یک صحنه دراماتیک شروع کنند؛ اما حکیمی این داستان را با معرفی شخصیت‌های اصلی داستان از جمله قهرمان و راوی شروع می‌کند تا در همین آغاز داستان، خواننده‌گان را متوجه شخصیت‌ها کند. او آنها را با نام و سطح سواد و وظیفه‌ای که در این سفر دارند معرفی می‌کند تا از این رهگذر آنها را در ذهن خواننده خود بنشاند و معناداری رفتار و کنششان را نشان دهد و از این طریق علاقه خواننده‌گان را به شخصیت‌ها و به طورکلی داستان جلب کند.

«دکتر هاینریش باخ-زیست‌شناس برجسته... دکتر ادوارد داویس که هدفش بررسی تشعشعات اتم هیدروژن بر محیط بود... پروفسور جنینگ گیاه‌شناس معروف... در اینجا لازم می‌آید که خودم را نیز معرفی کنم. نام من عبدالمجید سلمان و عضو گروه علمی سفینه، وظیفه من کنترل دستگاه‌های الکترونی و مخابرات سفینه...» (پرواز بهسوی سیاره آزادی، ص ۱۰).

در این داستان بر روی شخصیت‌ها بیشتر از سایر عناصر تکیه شده است. نویسنده خواننده را با تقابل یک شخصیت اصلی با چند شخصیت فرعی، مواجه کرده و اساس و تکیه‌گاه داستان را بر آنها گذاشته است. درواقع تردیدها و کشمکش‌های آدم‌های داستان نقطه اتکای داستان است نه رویدادها و حوادث داستانی به عبارت دیگر گفتار، افکار، عکس‌العمل، برخوردها و ذهنیت شخصیت‌ها، داستان را پیش می‌برند. نویسنده با بهره‌گیری از توصیف حالات شخصیت‌ها، خواننده را با فضای داستان و ماجراهای مربوط به آن آشنا می‌کند. در داستان شاهد تحولی در شخصیت، افکار و عقاید قهرمان داستان در پایان داستان نیستیم و به عبارتی قهرمان پایان داستان همان قهرمان آغاز داستان است و قرار نیست که از این تجربه چیزی به معرفت وی افزوده گردد. به نظر می‌رسد این گونه روایت دیدگاه ایدئولوژیک نویسنده را نشان می‌دهد؛ چنان‌که هانا آرنت می‌گوید: «تفکر ایدئولوژیک خود را از هرگونه تجربه‌ای، مستقل می‌داند، زیرا لازم نمی‌بیند که از هر پدیده تازه‌ای چیزی بیاموزد» (بسler، ۱۳۹۵، ص ۹).

مهتاب با پنجاه کارمند و تکنسین و ده دانشمند از رشته‌های مختلف علوم که از جزیره رهایی بهسوی سیاره آزادی پرواز می‌کند. راوی داستان که شخصیت اصلی داستان نیز هست، عبدالmajid سلمان نام دارد که عهده‌دار کنترل دستگاه‌های الکترونیکی و مخابراتی است. پس از گذشت هفتاد ساعت از پرواز سفینه، عبدالmajid پیامی رمزی از سیاره‌ای بنام پدینگ دریافت می‌کند. پیام حاوی تقاضای کمک از ساکنین زمین برای نجات اجتماع ده میلیونی آنها از هلاکت است. ساکنین این سیاره اگرچه از نظر صنعت و تکنیک دو هزار سال از ساکنین زمین جلوترند اما این پیشرفت‌ها نتوانسته است سعادت و خوشبختی را برای آنها به ارمغان بیاورد. آنها از ساکنین زمین می‌خواهند که یک مجموعه قوانین برایشان بفرستند. دانشمندان سفینه پس از بحث و جدل‌های زیاد اعلامیه حقوق بشر و انجیل و قرآن را که عبدالmajid پیشنهاد کرده بود برای آنها می‌فرستند و از آنها می‌خواهند پاسخ این پیام را بدهند. پس از گذشت پانصد ساعت، جواب پیام را می‌دهند و قرآن را به عنوان مجموعه «قانون زندگی» برای خود مناسب می‌بینند و از ارسال آن تشکر می‌کنند. پس از این ماجرا همه دانشمندان تحت تأثیر پیام قرار می‌گیرند و به عبدالmajid مдал افتخار می‌دهند و به او اجازه می‌دهند تا هر تقاضایی که می‌خواهد از آنها داشته باشد. عبدالmajid تقاضا می‌کند پرچم سبزی را بر بلندترین قلعه سیاره آزادی برافرازند که روی آن جمله «لا اله الا الله» نقش بسته باشد. همه با تقاضای عبدالmajid موافقت می‌کنند. پنجاه ساعت قبل از فرود آمدن سفینه به سیاره دکتر چانکیا به‌رسم سفرهای فضایی از عبدالmajid می‌خواهد تا یک سخنرانی علمی انجام دهد. او با خوشحالی می‌پذیرد و عنوان سخنرانی خود را «روزنمایی به جهان علوم قرآن» اعلام می‌کند. در سخنرانی خود با استفاده از آیات مختلف قرآن به جنبه‌ها و حقایق علمی قرآن اشاره می‌کند و بیان می‌کند که تنها راه سعادت و نجات انسان‌ها در پاره کردن زنجیرهای بردگی و بندگی غیر خدا است که در شعار «لا اله الا الله» جلوه‌گر است. پس از ایراد سخنرانی سفینه آرام بر سیاره آزادی فرود می‌آید. پرچم «لا اله الا الله» بر بلندترین قله سیاره افرادشته می‌شود.

نویسنده علاوه بر معرفی شخصیت‌های داستان، زبان داستان را نیز در تأیید موقعیت و طبقه اجتماعی آنها مطابق می‌سازد؛ یعنی زبان متأثر از طبقه اجتماعی افراد است. زبان داستان و روایت زبان رسمی است؛ زیرا شخصیت‌های داستان افرادی هستند تحصیل کرده و متخصص و از طبقه نخبه و بالای جامعه خود محسوب می‌شوند. نویسنده قصد دارد این موضوع را در داستان به مخاطب خود نشان دهد؛ چراکه «مهم‌ترین عاملی که شخصیت‌های داستان را در نظر خواننده واقعی جلوه می‌دهد، سازگاری صحبت‌های آنها با ویژگی‌های شخصیتی آنهاست.» (میرصادقی، ۱۳۸۵، ص ۴۶۵). واژه‌ها و جملات افراد طبقات بالای جامعه، سنجیده‌تر و زبان آنان رسمی‌تر است؛ «در رفتار زبانی طبقات بالا در یک جامعه زبانی، ویژگی‌ها و الگوهایی که اعتبار اجتماعی بیشتری دارند به نسبت بیشتری به کار گرفته می‌شوند درحالی که ویژگی‌ها و الگوهای زبانی غیرمعتبر یا کم ارزش، در رفتار زبانی طبقات پایین‌تر جامعه قابل مشاهده‌تر است» (میرصادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰). به‌طور طبیعی ما از نوع کاربرد واژگان و اصطلاحات افراد تا حدودی می‌توانیم به سطح سواد و تحصیلات و شغل افراد پی ببریم. نویسنده بین تیپ شخصیتی افراد و زبان آنها تناسب و همسانی ایجاد می‌کند تا از این رهگذر شخصیت‌ها و مضمون داستان را واقعی جلوه دهد و بر حقیقت‌مندی داستان بیافزاید. رسمیت زبان به دلیل شخصیت علمی و سطح سواد بالای افرادی است که در این داستان حضور دارد. در آغاز داستان نیز با همین زبان رسمی به توصیف شخصیت‌ها می‌پردازد و هم‌خوانی آن با ویژگی‌های شخصیتی، داستان را گسترش می‌دهد. «افراد وابسته به یک طبقه اجتماعی که ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی مشابهی دارند، از نظر رفتار زبانی نیز تشابه بیشتر به یکدیگر نشان می‌دهند» (مدررسی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۸). داستان از لحنی گفت‌وگویی برخوردار است درواقع خواننده با استفاده از گفت‌وگویی دیالکتیک و معناداری که در جریان داستان محقق شده، می‌تواند درون مایه داستان را روشن تر درک کند در این داستان به دلیل لحن مناظره‌ای وجه پرسشی بسامد بالایی دارد که لحن پرسش کننده محکم ولی توأم با احترام است؛ و لحن پاسخ‌دهنده نیز همواره آرام و متین و توأم با

داستان پرواز به‌سوی آزادی در مرحله توصیف متن، نشان‌دهنده گفتمانی تقابلی است، این تقابل در دیالوگ‌های بین شخصیت‌ها به خوبی نمایان است و صحبت‌های هر شخص موضع ایدئولوژیک او را نشان می‌دهد. «سرنشینان سفینه مهتاب توجه کنند این پیام از سیاره پدینگ به شما می‌رسد... ما از شما تقاضای کمک می‌کنیم... دکتر ایساکو... گفت: بله حتماً باید متن چند قانون اجتماعی را برای آنها مخابره کنیم... من معتقدم که قانون اساسی کشور ما ژاپن، بهترین و کامل‌ترین قانون برای اداره یک جامعه است... دکتر جنینگ... گفت: بگذارید از قانون اساسی صرف نظر کنیم من عقیده دارم که انجلیل باید به عنوان قانون برای آنها ارسال شود... دکتر روینسون گفت: گفتی انجلیل؟ یعنی کتابی که زورمندان را بر ضعیفان مسلط می‌سازد. نه من با این پیشنهاد موافق نیستم... [عبدالمجید]: پیشنهاد می‌کنم که قرآن را به عنوان یک قانون کامل برای آنها مخابره شود. دکتر روینسون... گفت: من اصولاً با مخابره هر نوع کتاب مذهبی مخالفم... [عبدالمجید]: حرفش را قطع کرد گفتم: شما تابه‌حال قرآن خواننده‌ای؟ فوراً پاسخ داد: نه آقای عبدالمجید! قرآن خواننده‌ام تعليمات مذاهب همه از یک ریشه‌اند» (پرواز به‌سوی سیاره آزادی، ص ۱۲-۱۳-۱۵-۱۶-۱۸). از جمله مواردی که در سطح واژگان، ایدئولوژی نویسنده را در داستان نشان می‌دهد کاربرد واژه هلاکت است. در پیام رسیده از سیاره پدینگ آمده است که؛ «ما از شما ساکنین زمین تقاضای کمک می‌کنیم، کمکی که بتواند اجتماع ما را از هلاکت نجات دهد» (ص ۱۳). این واژه دارای بار معنایی منفی است و وصف مرگ انسان‌هایی است که مرتكب گناه شده و از تزکیه نفس به دورند. همچنین به اپیزودی از داستان‌های قرآنی-قوم عاد و ثمود که از نظر تمدن تا حدود زیادی پیشرفت‌های بودند، شهرهای آباد، زمین‌های خرم و سرسبز، باغ‌های پر طراوت داشتند، اشاره دارد. این نگاه ایدئولوژیک نویسنده است که آنچه موجب سعادت انسان است و او را از پلیدی‌ها و بی‌اخلاقی‌ها دور می‌سازد زندگی در سایه تعالیم دین است؛ و هلاک شدن سرنوشت محتوم تمام اقوامی است که از تعالیم دین بی‌بهره‌اند؛ لذا سرنوشتی جز هلاک شدن برای آنها متصور نخواهد بود.

معتقدم... برای من مثل روز روشن است، دکتر چانگیا: من مسئولیت عوارض بعدی...» (ص ۱۵-۲۶-۲۴-۳۶).

از عنوانین دیگری که نویسنده به اقتضای شأن و مقام دانشمندان به کار می برد و می توان به آن اشاره کرد استفاده از لفظ «آقا» برای خطاب قرار دادن همدیگر و استفاده از الفاظ؛ دوستان، دوستان عزیز، دوستان من، رفقا در خطاب دانشمندان به همه اعضا است. این گونه خطاب قرار دادن در بررسی رابطه قدرت در این داستان نشان از همسنگ بودن آنها در قدرت است. این قدرت و اقتدار ناشی از قدرت علمی و صاحب نظر بودن آنها در مسائل مطرح شده است.

### سطح تفسیر

در تفسیر متن، ترکیبی از محتویات متن و ذهنیت (دانش زمینه ای) مفسر به کار بسته می شود. تحلیل گر باید بر مبنای دانش زمینه ای خود، ویژگی های صوری متن را معنا و تفسیر کند (کریمی فیروز جاهی، ۱۳۹۶، ص ۶۷). در داستان پرواز به سوی سیاره آزادی در سطح تفسیر باید گفت این داستان آمیزه ای است از عقاید مذهبی و باورهای ایدئولوژیک و به نوعی نمایانگر گفتمان های اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه است که نویسنده در تلاش است تا در جای جای داستان مخاطب را به آن توجه دهد. در این داستان با چند گفتمان مواجه می شویم یکی گفتمان اسلام گرا که گفتمان غالب داستان است و نماینده آن مهندس عبدالmajid است، دیگری گفتمان مسیحیت (در اشکال کلاسیک متعصب و پروتستانتیسم) که نماینده آن پروفسور جینیگ است و گفتمان سکولار که نماینده آن دکتر روینسون و دکتر ایساکوی ژاپنی به ظهر می رسد؛ که اساساً به عنوان گفتمان ادیان خاور دور هم مطرح هستند.

فعالیت و ماجراهای اصلی در این رویداد اهتمام عبدالmajid به این امر را نشان می دهد که اسلام تنها دینی است که سعادت بشر را تضمین می کند و قرآن بهترین قانون مدون برای زندگی انسان است. «عبدالmajid:... به فکرم رسید که پیشنهاد کنم متن کاملی از قرآن مجید را برای سیاره مزبور ارسال شود تا به عنوان یک

خرد است که این سبک نگارش می تواند در راستای بن مایه داستان که آگاهی بخشی و رهایی است در تناسب باشد.

«دکتر هاینریش باخ گفت: رفقا شنیدن این پیام آن هم از سیاره پدینگ برای من تعجب آوره، فکر نمی کنید آنها با ما مشوخی کرده باشند؟ روینسون گفت: شوخی؟ چنین چیزی تقریباً غیرممکن است. دکتر باخ گفت: پس شما اطلاع ندارید. دکتر ایساکو... گفت: من معتقدم که قانون اساسی کشور ژاپن بهترین و کامل ترین قانون برای یک اجتماع است. این طور نیست دوستان عزیز؟» (پرواز به سوی سیاره آزادی، ص ۱۴-۱۵). این شیوه ارتباط، مکمل ویژگی های شخصیتی افراد داستان است که از قشر نخبه و دانشگاهی جامعه خود هستند.

جمله های داستان از نوع معلوم است؛ داستان از زاویه دید دانای کل به نگارش درآمده - اما از نگاه شخصیت اصلی داستان تشریح می گردد - چون نمی خواهد چیزی مجھول بماند. کردار و رفتار شخصیت ها به روشنی گویای افکار و عقاید آنهاست و خواننده از لبه لای گفت و گوهایی که بین افراد ردوبدل می شود، به راحتی به مکنونات و تیپ شخصیتی آنها پی می برد.

در سطح کاربرد ضمایر در این متن ضمیر شما کارکردي گفتمانی دارد زیرا ضمیر شما همه جا برای مخاطب مفرد استفاده شده است؛ عبدالmajid خطاب به دکتر روینسون می گوید: «شما تابه حال قرآن خوانده اید؟ دکتر جینینگ خطاب به فرمانده چانگ یا: به نظر شما هیچ راهی برای نجات سفینه از این خطر بزرگ وجود دارد. عبدالmajid خطاب به دکتر روینسون: ... از پیش داوری ذهنی شما سخت حیرت می کنم، شما که خود اعتراض می کنید...» (ص ۱۸-۱۹-۳۴). ضمیر شما در این کاربرد به معنای ادای احترام و رسمی بودن گفت و گو است. کاربرد ضمیر «من» - بیش از شصت بار - نیز با اهداف گفتمانی سازگار است. همه دانشمندان سفینه در طول داستان هنگام بیان نظرات خود از ضمیر من استفاده می کنند. استفاده گسترده از ضمیر «من» در این کاربرد به اقتدار و جایگاه بالای آنها در نظام اجتماعی و استقلال فکری آنها دلالت می کند برای نمونه؛ «دکتر ایساکو: من معتقدم... دکتر روینسون: من اصولاً...، عبدالmajid: من پیشنهاد می کنم، دکتر جینینگ: من عقیله دارم...، دکتر داویس: من

کنیم. من عقیده دارم که انجیل باید به عنوان قانون برای آنها ارسال شود... انجیل پیوسته از مردم می خواهد که آدمیان به یکدیگر محبت کنند» (ص ۱۶). عقیده جنینگ گفتمان سنتی کلیسای کاتولیک است که نجات انسان را منحصر در ایمان به مسیح و در انحصار کلیسای کاتولیک می داند و خارج از سازمان کلیسای کاتولیک به هیچ وجه نجات و رستگاری ممکن نیست. براساس این نگرش فرقه های مختلف مسیحی تنها راه نجات و رستگاری را مسیحیت می دانند با این تفاوت که پروتستان ها بر این باورند که انسان با ایمان خود شخصاً باید به ندای عیسیٰ پاسخ دهد و ایمان به تهایی برای نجات کافی است ولی کاتولیک ها بر آینین و شعایر کلیسا تأکید دارند. طبق تعالیم فرقه کاتولیک، پاییندی به صحت بی نظیر مسیحیت تلویحًا این مفهوم را بیان می کند که همه عناصر ادیان غیر مسیحی نادرست است؛ درنتیجه نمی تواند سبب نجات پیروانشان شود (کربلایی پازوکی، ۱۳۸۵، ص ۵۳).

«دکتر روپینسون با صدای بلند خنده و گفت: «گفتی انجیل؟ یعنی کتابی که زورمندان را بر ضعیفان مسلط می سازد. نه من با این پیشنهاد موافق نیستم... به خوب میدانم و همین محبت است که موجب قدرت یافتن ستمکاران می شود. در جوامعی که قدرت در دست عناصر پلید و فریبکار است و عده ای معمود همه چیز اکثربیت را به چپاول می برنند، سخن گفتن از محبت و گذشت داروهای تخدیری است برای ضعیفان و محرومانی که حقوقشان پایمال شده است و همه چیزشان به غارت رفته است... در جامعه ای که لازم است محرومان از خشم و کینه نسبت به ربايندگان حقوق خویش پُر شوند و به پیکار برخیزند، فریاد محبت کنید! محبت کنید! چیزی جز همکاری با غارتگران نیست... قرآن نخوانده ام اما می دانم تعلیمات مذاهب همه از یک ریشه اند. گذشت و فداکاری، محبت، سکوت در مقابل زور و ستم و حرف هایی نظیر اینها و خلاصه چیزهایی که در جامعه طبقاتی، استثمار و بردگی را توجیه می کند. برای یک عده زورگوی ستمکار چه چیزی بهتر از اینکه یک قانون آسمانی بیاید و قدرت دفاع و مقابله و مبارزه را از محرومان بگیرد و آنها بدون کوچک ترین مقاومتی همچون گوسفندان سکوت کنند و به اصطلاح به قضا و قدر الهی راضی باشند» (ص ۱۹-۱۸-۱۷).

«قانون کامل» برای زندگی، مورد استفاده ساکنین سیاره قرار گیرد» (ص ۱۶). در مقابل این عقیده، ده دانشمند از کشورهای مختلف با عقاید و ادیان توحیدی و غیر توحیدی حضور دارند که گفتوگوهای بین آنها داستان را شکل داده است. نویسنده این تقابل را در دو مقطع از داستان منعکس می کند؛ یکی در آغاز داستان به هنگام مناقشه بر سر نوع قانونی که باید به سیاره پدینگ ارسال شود و دیگری به هنگام نصب پرچم بر روی سیاره آزادی در پایان داستان. «ما ساکنین سیاره پدینگ... از شما خواهش داریم یک مجموعه قوانین برای ما بفرستید» (ص ۱۲-۱۳).

«دکتر ایساکو: من معتقدم قانون اساسی کشور ما ژاپن بهترین و کامل ترین قانون برای اداره یک اجتماع است» (ص ۱۵-۶۱). این طرز بیان حاکم از گفتمان ملی گرایانه است که با کاربرد صفات تفضیلی برای ترجیح دیدگاه خود نسبت به دیگری استفاده می کند و از برتری فرهنگ خویش دفاع می کند. گفتمان ایدئولوژیک برای تأکید بر حقیقی بودن نگرگاه خودی و تحقیر ارزش های رقیب از عناصر نحوی شدت بخش بسیار سود می برند. «یکی از این عناصر شدت بخش کاربرد صفات های تفضیلی و عالی برای ترجیح نظرگاه خودی بر غیر خودی است» (فتوری، ۱۳۹۸، ص ۳۵۹). اکثر قریب به اتفاق ژاپنی ها خود را شینتویی می دانند تا مذهبی، این آیین فاقد کتاب آسمانی و پیامبر است و بیشتر به مجموعه آداب، رسوم و سنت باستانی یک قوم و ملت می ماند تا یک دین آسمانی... بدین معنا که از نظر آنان شینتویی بیشتر یک سنت آبا و اجدادی است تا یک آیین زنده مبتنی بر فقه و شریعت و تکالیف دینی. در قرون و اعصار اخیر مقامات و مسئولان ژاپنی از شینتو، به عنوان ابزار تقویت افکار و ارزش های ناسیونالیستی استفاده کرده اند. اساس دین شینتویی مجموعه ای از اساطیر اولین است که به مرور زمان، جنبه قداست پیدا کرده و بعداً در دو روایت تاریخی «کوجیکی» و «نیهون گی» جمع آوری شده است (گواهی، ۱۳۸۷، ص ۱۳-۱۴). بر این اساس می توان گفت که دین در این معنا مترادف با ایدئولوژی ناسیونالیسم است. پس این چنین پیشنهادی از سوی این دانشمند ناصلیستی است. پس این چنین پیشنهادی از سوی این دانشمند ژاپنی متأثر از ایدئولوژی ناسیونالیسم حاکم بر جامعه ژاپن است.

«دکتر جنینگ گفت: بگذارید از قوانین کشورها صرف نظر

می‌گردد، در تقسیم‌بندی معروف خود، تاریخ تحول ذهنی و فکری بشر را به سه دوره تقسیم می‌کند: دوره اول را دوره دین و باورهای دینی می‌نامد و معتقد است که بشر در دوران اولیه تکامل ذهنی به دین نیاز داشته است. مرحله دوم مرحله عقل است که منجر به شکل‌گیری فلسفه در تاریخ تفکر بشر شده است یعنی دوره‌ای که عقل کارکرد داشته است و دوره سوم یعنی عصر جدید را عصر علم یا دانش تجربی معرفی می‌کند به اعتقاد او در این دوره آنچه که توضیح‌دهنده مناسبات انسانی است قواعد و قوانین علمی است و عصر دین پایان یافته است (قائمه‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۸۵).

اما گفتمان غالب که داستان در صدد برجسته‌سازی آن است و در تقابل با گفتمان‌های دیگر صورت‌بندی شده، گفتمان اسلام شیعی است که در زبان قهرمان داستان حضور دارد. قهرمان داستان در دفاع از موضع خود مبنی بر ارسال قرآن به عنوان قانون جامع برای ساکنان سیاره پدینگ با زبان قرآن و نقل آیاتی از قرآن پاسخ می‌دهد و حقانیت کلام خود را با حقانیت کلام الله مجید گردد می‌زند؛ درواقع مبنای استدلال او زبان فصیح قرآن است. از قرآنی که یکی از اعجذارهایش، فصاحت و بلاغت آن است. از طرف دیگر این طرز بیان تداعی کننده فراخواندن مخالفان به تحمل توسط قرآن برای اثبات حقانیت خود است. آیاتی که در داستان نقل می‌شود در دو دسته می‌توان تقسیم کرد؛ آیاتی که اصول کلی زندگی اجتماعی انسان را ترسیم می‌کند و در مقایسه با سایر قوانین بشری و آئین مسیحیت جامع‌تر است. «عبدالمجيد گفت: مواد اعلامیه حقوق بشر فقط چند قانون کلی دربر دارد. اعلامیه حقوق بشر در مقایسه با حقوق وسیع و عمیق قرآن سخت ناتوان است» (ص ۲۱). این آیات متن‌بمن برقراری قسط، عدالت اجتماعی و مبارزه با ظلم و گرفتن حق مظلوم از ظالم است؛<sup>۱</sup> و دسته دیگر آیاتی است که بر اسرار آفرینش و نیز برخی مطالب موافق با اکتشافات علمی روز که سده‌ها پیش از آن خبر داده شده بود دلالت دارد.<sup>۲</sup> نویسنده این نقل‌ها را با ارجاع در متن آورده است. می‌توان گفت به نظر نویسنده آیات قرآن و انجیل در فضای فکری و فرهنگی جامعه زیاد شناخته شده نبوده و به همین سبب منبع آن را نیز ذکر کده است آیات نقل شده، آن قسمت را نقل

دکتر روپینسون از مجرای یک گفتمان چپ مارکسیست نه تنها به نفی مسیحیت بلکه به نفی کارکرد دین در سامان بخشی اجتماعی می‌پردازد. «من اصولاً با مخابره هر نوع کتاب مذهبی مخالفم» (ص ۱۸). تا آنجا که دین و مذهب نه تنها در دفع ظلم و ستم کارساز نبوده بلکه حتی مانع بر سر راه عدالت و مبارزه با استبداد است و چون مواد مخدر توده مردم را از مبارزه مأیوس و بازمی‌دارد؛ این ادعای مارکس بود که مذهب حاکم، منافع طبقه حاکم را مشروعیت می‌بخشد و مانند مواد مخدر طبقه ستمدیده را به قبول سرتیفیکات خود و امامی دارد (هیوز، ۱۳۹۶، ص ۳۸۸). در این گفتمان دین ابزاری در دست زورمندان برای تحمیل عقاید خود به ستمدیدگان است؛ و روی آوردن به دین در جهت توجیه وضعیت موجود و دم بربنیاوردن در مقابله با ناملایمات و تسکین دردهاست.

«دکتر داویس گفت: راستی دوستان عزیز آیا بهتر نمی‌دانید که به جای ارسال و مخابره یک کتاب بزرگ نظیر قرآن و یا انجیل، متن اعلامیه جهانی حقوق بشر را که هم مختصر است و هم جامع تمام حقوق بشری، به سیاره مخابره شود... من معتقدم که قبل از هر چیزی، ماده اول اعلامیه حقوق بشر مخابره شود... برای من مثل روز روشن است که هوشمندان سیاره، ماده اول اعلامیه حقوق بشر را به عنوان قانون خواهد پذیرفت...» (ص ۲۱-۲۹).

این بار تخطه دین در گفتمان سکولار خود را نمایان می‌کند. داویس علم و دانش بشری را در جایگاه بالاتری از دین و در اولویت قرار می‌دهد و به همین جهت اعلامیه حقوق بشر را پیشنهاد می‌کند. «زبان حقوق بشر، زبانی جدید است و اساساً ریشه در آزادی خواهی سکولاری دارد که به حقوق شهروندان توجه داشته و آنان را حمایت می‌کند؛ اما خواستار جدایی مذهب از قلمرو عمومی است تا بدین طریق پیشرفت سیاست مستقل از مذهب را امکان‌پذیر سازد» (ساشادینا، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴). خواستگاه این گفتمان (سکولار) را می‌توان فلسفه عصر مدرن (فلسفه پوزیتیویسم) دانست که با سطح دانش جدید، بی‌نیازی به دین و باورهای دینی را توجیه می‌کند. اگوست کنت پدر علم جامعه‌شناسی که مفهوم اثبات‌گرایی به روش تحقیقی او اطلاق

۱. حدید: ۲۵  
۲. نازعات: ۲۱

عمومی مرتبط با داستانش را ارائه دهد. «... خاطرات آن مرد بزرگ را بیاد آوردم که برای نجات جوامع مسلمین فریاد «بازگشت بهسوی قرآن مجید» را برآورد و آن چنان بر این طرح نجات بخشن تأکید کرد که ناگهان جوانان که سال‌ها در چنگال فیبکاری و دسایس غرب اسیر شده بودند، از خواب گران بیدار شدند» (ص ۳۰). آرمان سید جمال بازگشت سروری مسلمان در عالم است که راه آن را در رجعت به اسلام واقعی و داشتن آگاهی و مجهز شدن به دانش جدید می‌دانست: «... توده را بهسوی آگاهی و شعور و دانش ببرید که هیچ سمی خطرناک‌تر از جهل نیست... پول‌هایتان را در کارهای بیهوده به کار نبرید برای توده‌ها مدرسه و دانشگاه اسلامی بسازید، زیرا تا به دانش و تکنیک زمان خویش آشنا نشوید، همچنان زیردست خواهید بود و بی‌رحمانه غارت می‌شوید» (ص ۳۱). به اعتقاد ژرارد ژنْت<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) این فاصله‌گذاری بین نقل و داستان به روایتگر کمک می‌کند که اطلاعات ارائه شده در روایت را ارزیابی کند، همان‌طور که دقت آنچه که از یک تصویر می‌بینم بستگی به فاصله‌ای دارد که آن را از من جدا می‌کند (گلمنت، ۱۳۸۶). درواقع این متن که توسط راوی نقل می‌شود، روایت‌کننده اندیشه و ایدئولوژی نویسنده است. در سراسر داستان، حکیمی سعی دارد مخاطب را درگیر عقاید دینی اسلام شیعی کند. این داستان در یک جامعه انسانی متشكل از افراد تحصیل کرده و نخبه است که خصلت‌های مثبت و منفی ممکن آن جامعه چون؛ احترام متقابل، منطقی بودن، استدلال و مشورت بر آن حکم فرماست. نویسنده با ایجاد یک هارمونی فکری و اقامه دلایل منطقی و بیان شواهدی تاریخی در سخن قهرمان، حقانیت و کفایت اسلام شیعه را برای اداره جامعه در داستان بازآفرینی کرده است.

### سطح تبیین

در بررسی گفتمان بهعنوان کنش اجتماعی و تأثیر ساختارهای اجتماعی بر گفتمان (تبیین) باید گفت؛ داستانی که سعی دارد در گفتمان غالب، مصائب و ناهنجاری‌های جامعه را به تصویر بکشد، به دلیل اختناق و سرکوب همه صدای مخالف و همچنین سانسور حاکم بر این دوره، نویسنده را به خلق اثری در

می‌کنند که با چارچوب فکری گفتمان سازگارتر باشد، از طرفی این شیوه بیان و گفتار را می‌توان در راستای جان‌مایه داستان که آگاهی بخشی و رهایی است، تلقی نمود. بر همین اساس است که او علت بسیاری از این بدفهمی‌ها نسبت به تفکر دینی را ناشی از عدم آشنایی و شناخت درست می‌دانست.

«عبدالمجید: من پیشنهاد می‌کنم که قرآن به عنوان یک قانون کامل برای آنها مخابره شود... آقای روینسون از پیش‌داوری ذهنی شما سخت حیرت می‌کنم. شما که خود اعتراف می‌کنید قرآن را حتی یک بار نخوانده‌اید، چگونه بدین‌گونه، تعالیم آن را محکوم می‌کنید... برخلاف نظر شما، قرآن کریم نه تنها از طبقه محروم و گرسنه می‌خواهد که برای گرفتن حق خویش دفاع کنند بلکه حتی همه مردم را به گرفتن حق خویش دعوت می‌کند» (ص ۱۸-۱۹). به اعتقاد حکیمی آشنایی سطحی و عدم فهم عمیق معارف دینی برخی از دانشمندان، علی‌رغم برخورداری از دانش علمی بالا، سبب پیش‌داوری ذهنی و قضاؤت ناصواب آنها در مورد همه ادیان به‌طور یکسان شده و اسلام را چون ادیان تحریف‌شده دیگر در پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی بشر ناتوان تلقی نمایند. از این رو او این دسته از دانشمندان را روشنفکر واقعی نمی‌داند. «... متأسفانه اغلب اظهارنظرهای روشنفکر نمایان بدین‌گونه است» (ص ۲۵). درواقع در این تفسیر، دانشمند کسی است که دارای تخصص و دانش است و روشنفکر تواناً دارای دانش همراه با بصیرت و بینش دینی نیز هست.

از جنبه بینامتیت علاوه بر آیات پیش‌گفته که به‌طور اخص گفتمان شیعی در داستان را روشن‌تر نشان می‌دهد؛ نقل قول از نهج‌البلاغه است؛ «بنده دیگری مباش زیرا خدا ترا آزاد آفریده- مؤمنان با هم برادرند، پس میان آنها سازش دهید» (ص ۲۵) و همچنین نقل روایتی از پیامبر اکرم است که بر جنبه ایدئولوژی داستان و تأیید گفتمان غالب می‌افزاید و حقانیت کلام و عقیده نویسنده را نشان می‌دهد. «در هر جامعه‌ای اگر یک فرد گرسنه و بینوا بوده باشد و نتواند بنفسه گرسنگی و بینوا بی خود را برطرف نماید، تمام افراد و گروه‌های آن اجتماع مسئول خواهند بود» (پرواز بهسوی سیاه آزادی، ص ۲۰). علاوه بر این راوی در فرصتی داستانش را قطع می‌کند و به نهضت سید جمال الدین اسدآبادی اشاره می‌کند تا توضیحات و تفاسیر آموزنده یا خرد

1. Gérard Genette

داستان بازنمایی کرد. داستان پرواز بهسوی سیاره آزادی محمود حکیمی، چارچوب و اساس روابط سازنده و شایسته بین‌المللی را از نگاه اسلام شیعی به نمایش می‌گذارد. استدلال‌ها و مناظرات عقیدتی قهرمان داستان با دانشمندان و نمایندگان ایدئولوژی‌های هم‌عصر خود چنان است که اعترافات آنها را در پی دارد و زبان گویای اسلام را در مقابل با دشمنان اعتقادی و ایدئولوژی را نشان می‌دهد. حکیمی در این داستان مشی اسلام واقعی را در تقابل با افراط و تفریط گروه‌های گوناگون ایدئولوژیک، علمی و مذهبی ترسیم کرده و در این راه همواره بر بهره‌گیری اصولی از آیات قرآن و سیره پیامبر ﷺ و امام علی علیهم السلام تأکید نموده است. ذکر تعداد زیادی از آیات قرآن مجید و فرازهایی از نهج‌البلاغه، مؤید این امر است و اهمیت توجه به نظام معنایی توحیدی را در تعاملات فرهنگی و پرهیز از افراط و تفریط اعتقادی نشان می‌دهد.

### عناصر تربیتی در داستان پرواز بهسوی سیاره آزادی محمود حکیمی

رویکرد حکیمی نسبت به دین منبعث از نگرش و تحلیل تربیتی او است، به طوری که علت بحران‌ها و مشکلات جوامع در طول تاریخ تابه‌حال را بی‌توجهی انسان به تعالیم و ارزش‌های دینی می‌داند. به اعتقاد او اسلام، دارای نظامی فراگیر و جامع است به‌نحوی که هر شخصی در هر سطحی از دانش و تخصص نیازمند آشنایی با اسلام است. در داستان پرواز بهسوی آزادی، سرنشین‌های سفینه‌فضایی را افرادی متخصص و دانشمندان علوم مختلف تشکیل می‌دهد، اما یا دارای تفکر سکولار هستند و یا اساساً معتقد به ادیان تحریف‌شده چون مسیحیت هستند؛ و ساکنان سیاره پدینگ نیز جامعه‌ای مدرن و پیشرفته هستند؛ لیکن فاقد هر نوع شریعت و دین هستند. لذا پاسخ صحیحی برای مشکلات مبتلا به جامعه ندارند؛ اما اسلام در رفع مشکلات آنان، زبانی گویا و قوانینی جامع دارد.

«ساکنان سیاره پدینگ: هوشمندان ما قوانین ارسالی شمارا مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند... قانون دوم (فرازی از نهج‌البلاغه) فاقد هرگونه نقصی است؛ لذا ما تصمیم گرفتیم که قانون دوم را پذیریم...» (ص ۲۷). .... «دستان ما! دانشمندان سفینه مهتاب! ... قوانین ارسالی شما مورد بررسی دقیق ما قرا

ژانر علمی تخیلی سوق داده و نتوانسته داستانی با فضای واقعی و بومی و در مکانی آشنا بنویسد. شخصیت‌های داستان‌های او نیز کمتر از جامعه ایران انتخاب شده‌اند. ماجراهی این داستان مربوط به اوخر دهه چهل و آغاز دهه پنجاه است که ایران تحت تأثیر و نفوذ فرهنگ غرب و درگیری‌های ایدئولوژیک قرار داشت و عالمان دینی را چنان نگران کرده بود که از هر کسی با اندک‌مایه قلمی می‌خواستند برای کودکان و نوجوانان خواندنی‌های مناسب فراهم کند (محمدی و قایینی، ۱۳۹۴، ج ۹، ص ۶۱۱). در تولید متن این داستان همچنین عواملی چون حضور نویسنده‌گانی که آثاری را از دیدگاه ایدئولوژی‌های چپ و ناسیونالیسم باستان‌گرا نوشته‌اند، تأثیرگذار بوده است. علاوه بر این داستان به‌نوعی نقد علم‌گرایی تمدن مدرن است، تمدنی که بعد از اتفاقات سال ۱۳۳۲ به غربی شدن ایران و نفوذ بی‌پروای ایالات متحده امریکا و رواج فرهنگ ناسازگار با فرهنگ دینی مردم دامن زد (محمدی و قایینی، ۱۳۹۴، ص ۶۱۱). فرایند مدرنیزاسیون اقتصادی که تغییرات فرهنگی و نظام ارزشی را هم به دنبال خواهد داشت و باعث مشغول کردن انسان‌ها به مادی‌گرایی، پول‌پرستی، مصرف‌گرایی، دروغ و ریا و فساد است و انسان را از سعادت واقعی و آزادی حقیقی محروم کرده است. درواقع رهآوردهای تکنولوژی و خردگرایی مدرن شکست باورهای اخلاقی است. همان‌طور که امیل دورکهایم مدرنیته را فرایند ناسوتی شدن لاهوتی‌ها نامید و نیچه در این عصر مرگ خدا را اعلام کرد.

«البته ما از نظر صنعت و تکنیک دو هزار سال از شما جلوتریم اما این پیشرفت‌ها نتوانسته است سعادت و خوشبختی برای ما به ارمغان آورد. دروغ و فساد و رشوه‌خواری توسعه فروان یافته است. حتی دستگاه‌های الکترونیکی «دروغ‌یاب» و «تلی‌پاتی مصنوعی» نتوانسته است از تعداد جنایتکاران بکاهد. پول‌پرستی رواج فراوان یافته است. همه سعی می‌کنند با فریب و ریا و دروغ‌گویی دیگران را فریب دهند» (پرواز بهسوی سیاره آزادی، ص ۱۳).

پیامد این تغییرات دائمی، ناپدید شدن گذشته و حسرت بر آن خواهد بود؛ «شاید تعجب کنید که اکنون آرزو می‌کنیم که کاش در «عصر حجر» زندگی می‌کردیم» (ص ۱۳). در این فضای اجتماعی بود که حکیمی به نوشتن این داستان روی آورد و در تقابل با گفتمان‌های موجود مضامین تفکر اسلامی شیعه را در

از آموزه‌های آن بهره‌مند شود به عبارتی دیگر دین اسلام، یا همان هدایتی که خداوند برای انسان‌ها مقرر داشته و در قرآن کریم تجلی باقته برای تمام شئون زندگی انسانی اعم از اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حکومت و تعلیم و تربیت برنامه دارد و قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی، دین اسلام را برنامه‌ای جامع برای زندگی بشر معرفی می‌کند.

بر مبنای تحلیل گفتمان انتقادی عناصر تربیتی این داستان در سه حوزه اهداف تربیتی، روش تربیتی و الگوی رفتاری، قابل استخراج است. حکیمی با توجه به شرایط حاکم بر جامعه، سعی در جلب توجه مسلمانان به اصول زیربنایی اسلام داشته تا از این طریق، اهداف تربیتی متناظر با نظام اسلامی را نمایان سازد؛ چراکه هر تلاشی در جهت تعلیم و تربیت اسلامی منوط به این است که متربی به اصول اساسی اسلام ایمان و اعتقاد داشته باشد؛ بنابراین هدف غایبی تعلیم و تربیت موردنظر حکیمی تربیت اسلامی است که از طریق آموزش اصول انتقادی دین و مذهب یعنی؛ توحید در بعد افعال و صفات خداوند، معاد، نبوت و وحی و امامت حاصل می‌شود. بر همین اساس یکی از مواد آموزشی در جهت تربیت افراد، آموزش معارف دینی است.

حکیمی برای شناخت اسلام چند مفهوم را که توسط آنها می‌توان اسلام را بهتر شناخت، شامل؛ قرآن، پیامبر اکرم و شخصیت‌های بر جسته و نمونه‌ای چون امام علی<sup>ع</sup> و ابوذر را بازگو می‌کند. درواقع حکیمی به دنبال طرح نظامی از تعلیم و تربیت است که از طریق امامان شیعه، پیامبر و قرآن به پروردگار عالم ختم می‌شود.

داستان پرواز به سوی سیاره آزادی متأثر از روش تربیتی قرآن به الگوده‌ی به عنوان یک روش تربیتی و در قالب داستان پرداخته است. چراکه قرآن نیز بسیاری از الگوهای رفتاری خود را در قالب داستان به بشر معرفی نموده است. معرفی الگو غالباً در برابر الگوی مخالف موجود در یک جامعه معرفی می‌شود. داستان مذکور در عصر هجوم گسترده فرهنگ بیگانه غرب به جوامع اسلامی و ترویج و تحمیل الگوهای خود به جوانان، به الگوسازی والگوده‌ی پرداخته است.

مضمون تربیتی بعدی در گفتمان داستان، الگوی رفتاری

گرفت... اعلامیه جهانی حقوق... بسیاری از این قوانین برای حفظ حقوق افراد بشر مفید است اما این قوانین برای اداره یک اجتماع و مسائل پیچیده آن ناکافی و سخت ناتوان است... و فاقد ضمانت اجرایی است... و اعتبار و ارزش چندانی ندارد. راجع به... کتاب آسمانی انجلیل... باید قبل از هر چیز این نکته را تذکر دهم که برای حقوق دانان سیاره ماسخت حیرت‌انگیز بود که هوشمندان سفینه مهتاب چنین کتابی را به نام کتاب آیین زندگی برای ما ارسال کردند... ما ضمن مطالعه انجلیل‌های چهارگانه به تناضلاتی عجیب و حتی کودکانه برخورдیم و گذشته از آن در این کتاب جملاتی وجود دارد که انتشار آن به عنوان یک قانون موجب جنگ و نزاع بین افراد جامعه می‌گردد... در قانونی که تحت عنوان انجلیل برای ما ارسال کرده بودیم، به واژه محبت زیاد بر می‌خوریم. این واژه بسیار خوش‌ظاهر است اما تبلیغ آن در یک جامعه طبقاتی سخت خطرناک است... اما کتاب قانون سوم که بنام کتاب آسمانی قرآن برای ما فرستادید سخت حیرت‌انگیز بود. دانشمندان و حقوق دانان ما هنگام بررسی این کتاب دچار شگفتی شدند و ما در این فکر هستیم که چگونه زمینیان با وجود داشتن چنین کتابی باز هم دچار مشکلاتی هستند. در این کتاب نکته‌ای که بیش از هر چیزی جلب نظر می‌کند آن است که بر روی رهابی انسان از بند و بندگی و اسارت غیر خدا تأکید شده است. نکته دیگر آنکه در این کتاب از افراد خواسته شده است که حکومت خویش را به کسانی بسپارند که لیاقت و شایستگی و صلاحیت آن را داشته باشند و تأکید فراوان شده است که در جامعه هیچ‌یک از قوانین و مقررات و نظمات اجتماعی و اخلاقی بدون وجود یک حکومت صالح قابل اجرا نیست... این قوانین چون رشته زنجیری به هم متصل‌اند و اجرای هریک از آنان بدون توجه به دیگر حلقه‌های زنجیر این مجموعه قانون زندگی، نتایج مفیدی در برخواهد داشت...» (ص ۴۱-۴۲-۴۳-۴۶).

این گفتمان نویسنده است؛ یعنی اگر شریعت اسلام را در یک طرف و سایر شرایع آسمانی و غیرآسمانی و قوانین بشری را در طرف دیگری بگذاریم، شریعت اسلام از همه آنها جامع‌تر و استوارتر است. اسلام همان تسلیم شدن در برابر اراده خداوند است. برای مسلمان شدن مهم نیست که شما به کدام نژاد و ملت و زبان منسوب هستید. هر انسانی می‌تواند به دین اسلام درآید و

تسخیر کرده بود. این پژوهش براساس رویکرد نورمن فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین انجام گرفت. در سطح توصیف بیشتر روی این موارد تأکید شد. شخصیت‌ها، انتخاب نوع واژگان، کاربرد ضمایر که جنبه ایدئولوژیک نویسنده را نشان می‌دهد. در سطح تفسیر نویسنده توانسته فضای ملتهب فکری و فرهنگی حاکم بر آن دوره را به نمایش بگذارد و طیف گفتمان‌های مختلف آن دوره را بازتاب نماید، درواقع در جریان گفت‌وگوی شخصیت‌های داستان عقاید و افکار آنها نمایان می‌شود. بافت بینامتنی نیز به شکل یک میان‌متین آشکار و در یک زنجیره میان‌متین با ذکر نقل قول‌هایی از قرآن مجید و نهج البلاغه و احادیثی از پیامبر اکرم ﷺ و گذشته تاریخی و اسطوره‌های مذهبی در جهت تحکیم گفتمان ایدئولوژیک نویسنده است. در سطح تبیین نیز رویارویی اندیشه‌ها و افکار، داستان را سرشار از فضایی تقابلی کرده است. درواقع داستان بیشتر یک صحنه مبارزه فرهنگی است؛ صحنه تقابل اسلام شیعه است با داشته‌های فراوانش در همه‌ی عرصه‌های حیات بشری -که البته از چشم جامعه و دنیا مغفول مانده- با ایدئولوژی‌های وارداتی. در بررسی تعلیم و تربیت و با جمع‌بندی یافته‌های پژوهش در سطح تفسیر، توصیف و تبیین می‌توان چنین نتیجه گرفت که بازتاب مضمون‌های تعلیم و تربیت در این داستان غالباً متأثر از گفتمان اسلام شیعه و در رویارویی با گفتمان‌های رایج مخالف است. به عبارت دیگر در تبیین مسئله پژوهش باید گفت که حکیمی در بستر تاریخی-اجتماعی دهه‌های چهل و پنجاه شمسی و با مبانی فکری و ایدئولوژی اسلام شیعی و نظام ارزشی، معرفتی، انسان‌شناختی و پارادایمیکی که به آن تعلق دارد، هدف از تعلیم و تربیت را تربیت اسلامی ترسیم می‌کند. بر همین اساس دومین مضمون تربیتی، الگوی رفتاری برای کودکان است که در گفتمان داستان، قهرمان داستان نمونه الگوی رفتاری مناسب با برخورداری همزمان از ایمان و علم، نمایان است. سومین مضمون تربیتی، روش تربیتی است که نویسنده با تأسی از قرآن روش الگوده‌ی را روش مناسب دانسته است همچنین در گفتمان تربیتی وی روش تلفیق علم و عمل نیز مورد تأکید. حکیمی در آثارش انفعال در برابر فرهنگ‌های بیگانه به‌ویژه فرهنگ و تجدد

است. یکی از مضمون‌های تربیتی نظامهای آموزشی ایدئولوژیک -چه نظام آموزشی رسمی و چه غیررسمی (مثل ادبیات کودکان) - بازآفرینی الگوی رفتاری یا طراحی انسان مطلوب است (گوتک، ۱۳۸۸، ص ۲۰۴-۲۰۵). ذکر این نکته در اینجا لازم است که بدانیم آنچه که در این بخش به عنوان الگوی رفتار بیان می‌شود غیر از روش الگوده‌ی است؛ چراکه قبل از استفاده از الگو به عنوان روش، ابتدا باید الگوی موردنظر تعریف شود. در اندیشه نویسنده به تأسی از قرآن به نقش الگو در پرورش انسان‌ها تأکید شده است و در موارد متعدد، پیامبر ﷺ، امام علی علیه السلام و انسان‌های صالح چون ابوذر را به عنوان اسوه و الگو معرفی کرده است و در گفتمان غالب داستان و منتج از تفکر اسلامی (شیعه)، دانش را بدون ایمان و عمل به دستورات الله‌ی - همانند ساکنان سیاره پدینگ که دوهزارسال به لحاظ تکنولوژی و صنعت جلوتر از ساکنان زمین بودند - موجب فساد و تباہی و رشد رذایل اخلاقی در جامعه معرفی می‌کند و بر همین اساس نیز قهرمان داستان، الگوی رفتار (نمونه عمل) مناسب عینی و ملموس که دارای معرفت دینی از یکسو و معرفت علمی از دگر سو است، به عنوان الگوی رفتار مناسب ارائه شده است. با توجه به اهداف، روش‌ها و الگوی رفتاری موردنظر در گفتمان تربیتی نویسنده می‌توان گفت که یادگیری (شناخت) نیز از طریق تقلید رفتار الگو صورت می‌پذیرد و به تبع معلم تها یک آموزگار برای انتقال معلومات علمی و دانش نیست؛ بلکه الگویی است که نمی‌تواند نسبت به اصول اخلاقی خویش بی‌تفاوت باشد و درواقع اخلاق و عمل معلم در فرایند تعلیم و تربیت جایگاه ویژه‌ای دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

محمد حکیمی یکی از پرکارترین نویسنده‌گان معاصر ایران در حوزه ادبیات کودکان است که در داستان‌هایش از دریچه ایدئولوژیک و نوع نگاه خود به انسان و در پاسخ به تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه وارد این حوزه شده است. داستان درواقع روایت جامعه‌ای است که مورد هجمه آثار و افکار نوبه‌نوی است که از سوی مارکسیست‌ها، غرب‌گرایان، علم‌گرایان و مروجان مسیحیت افکار جوانان، دانش‌آموزان و دانشجویان را

اذهان آنها تلقین، تحکیم و مشروع می‌گردد—ضرورتی اجتناب ناپذیر است. آنچه این مسیر را می‌تواند روش سازد فهم گفتمان‌های موجود در این متون است؛ چراکه گفتمان وسیله ابراز و تقویت ایدئولوژی است و بهترین راه برای درک ایدئولوژی‌های پوشیده در قلب متون، آشنایی با روش و نظریه‌های تحلیل گفتمان انتقادی است بر همین مبنای آنچه از برآیند این تحقیق می‌تواند به عنوان پیشنهاد مطرح گردد:

۱. تبیین و تدریس جدی روش و نظریه تحلیل گفتمان در دانشگاه‌ها به عنوان متولیان راهبردی نظام تعلیم و تربیت در کشور؛
۲. آشنایی معلمان به عنوان پیشانی اجرایی حوزه تعلیم و

تریبیت هر کشور با نظریه‌های تحلیل گفتمان انتقادی؛

گنجاندن روش تحلیل گفتمان در درس روش تحقیق در دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی در کلیه دانشگاه‌ها به خصوص دانشگاه‌های فرهنگیان که ارتباط مستقیمی با تربیت معلمان و مریبان نظام تعلیم و تربیت کشور دارند.

غرب را به چالش می‌کشد. او تلاش می‌کند در آثارش نقش مذهب را در سعادت انسان به مخاطبان نوجوان خود معرفی کند و آموزه‌های قرآنی و ارزش‌های واقعی دین اسلام را به آنها بشناساند. وی معتقد است که علم و دانش بشری زمانی برای انسان سعادت می‌آورد که با آموزه‌های دینی همساز باشد و جامعه‌ای که تنها به داشته‌های خود متکی است و از آموزه‌های دینی بهره‌ای ندارد در عرصه حیات اجتماعی محکوم به شکست است و تفاوتی بین عالمان و دانشمندان بی‌ایمان امروز، با جاهلان بی‌ایمان دیروز در رفتارها و کردارشان وجود ندارد

### پیشنهادها

از آنجا که بخشی عظیمی از تعلیم و تربیت از طریق بینش متنی صورت می‌پذیرد و با نگرش به اینکه متون مختلف اگر نگوییم همه متون، غالباً آغشته به ایدئولوژی هستند؛ آگاهی نسبت به این ایدئولوژها—که در قالب‌های مختلف و ساختارهای رسمی و غیررسمی، عمده و غیرعمده تعلیم و تربیت، جزئی از نظام باورهای کودکان و نوجوانان، به عنوان وارثان و آینده‌سازان کشور در

## منابع

۱۲. کریمی فیروزجانی، علی (۱۳۹۶)، گفتمان‌شناسی انتقادی، تهران: روش‌شناسان و جامعه‌شناسان.
۱۳. گواهی، عبدالرحیم (۱۳۸۷)، شینتوئیسم، تهران: نشر علم.
۱۴. گوتک، جرالد ال (۱۳۸۸)، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه دکتر محمد جعفر پاک‌سرشت، تهران: انتشارات سمت.
۱۵. گیلمت، لویسی (۱۳۸۶)، «روایت‌شناسی ژرارد رنرت»، ترجمه محمدعلی مسعودی، فصلنامه ادبی خوانش، شماره ۸، <http://www.khanesh.ir/>، بازیابی شده در ۱۴۰۰/۷/۵.
۱۶. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۵)، روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۷. محمدخانی، کورش (۱۳۸۲)، «بررسی جنبه‌های تربیتی کودک و نوجوان در افسانه‌های شفاهی منطقه گوران کرمانشاه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۸. محمدی، محمدهادی و زهرا قایینی (۱۳۹۴)، تاریخ ادبیات کودکان ایران، جلد نهم، ادبیات کودکان در روزگار نو ۱۳۴۰-۱۳۵۷، تهران: نشر چیستا.
۱۹. مقدادی، صدیقه سادات (۱۳۸۹)، «بررسی زبان‌شناسی ادبیات جنگ برای کودکان در ایران از دیدگاه گفتمان‌شناسی انتقادی»، رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۰. میرصادقی، جمال (۱۳۸۵)، عناصر داستان، تهران، نشر سخن.
۲۱. هیوز، هنری استیوارت (۱۳۹۶)، آگاهی و جامعه، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۲۲. یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۹۴)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
23. Machin, D and Mayr, A(2012) *How to do Critical Discourse Analysis*, Sage: London, 240 pp.
24. Geneette, G. (1980). *Narrative Discourse: An Essay in Method*, trans. Jane Lewin, Ithaca: Cornell University Press.
- \* قرآن کریم
۱. آقاپور، فرزانه (۱۳۹۷)، «شیوه‌ی القای ایدئولوژی و تأثیر آن بر تقابل لذت/آموزش در دورمان نوجوان». مجله‌ی مطالعات ادبیات کودک، شماره‌ی ۲، ص ۱-۲۸.
۲. احمدی، اصغر (۱۳۹۲)، «تبیین جامعه‌شناسی تولید و محتوای ادبیات داستانی سیاسی در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی»، رساله دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. برخورداری، رمضان و سیده‌هادی مدنی (۱۳۹۵)، «تحلیل محتوای کیفی قصه‌های صمد بهرنگی به منظور بررسی امکان استخراج مضامین تربیتی-انتقادی»، فصلنامه خانواده و پژوهش، ش ۳۰، ص ۹۳-۱۱۶.
۴. بسلر، زان (۱۳۹۵)، ایدئولوژی چیست، ترجمه علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. حکیمی، محمود (۱۳۵۲)، پرواز به سوی سیاره آزادی، تهران: کانون انتشارات، چاپ آفتاب.
۶. ساشادینا، عبدالعزیز (۱۳۸۶)، «بنیادهای اخلاقی حقوق بشر»، ترجمه: محمود عباسی، لادن عباسیان، فصلنامه حقوق پژوهشی، ش ۱، ص ۱۱۴-۱۳۲.
۷. ساعی، علی (۱۳۸۷)، روش تحقیق در علوم اجتماعی؛ با رهیافت عقلانیت انتقادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۸. شیروانی‌شیری، علی (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مبانی فلسفی تربیتی و شگردهای جلوه‌گری مقوله‌های «اقتدار و آزادی» در داستان‌های فارسی و انگلیسی کودک»، رساله دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه اصفهان.
۹. فتوحی، علی (۱۳۹۸)، کتاب سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
۱۰. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۷۹)، درآمدی بر منشأ پیدایش دین، تهران: معارف.
۱۱. کربلای پازوکی، علی (۱۳۸۵)، «مسئله رستگاری و نجات پیروان ادیان از دیدگاه جان هیک، علامه طباطبائی و استاد مطهری»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ش ۲۰، ص ۴۹-۸۰.

29. Simpson, P. & Mayr, A. (2010). Language and Power: A Resource Book for Students.
30. Stephens, John; McCallum, Robin. (2011), *Ideology and Children's Books*. pp 359–71 in Handbook of Research on Children's and Young Adult Literature, Edited by Shelby Wolf, Karen Coats. Patricia Enciso, Christine Jenkins. New York: Rotledge.
31. Van Dijk, T. A (n.d), *Ideology and discourse. A multidisciplinary approach*. Retrieved from discourse.org. Accessed 3 September 2015.
25. Keyes, M. & McGillicuddy, A (2014), Politics and ideology in children's literature. Dublin: Four Courts Press.
26. Martenst,A (2015), *Ideology in Children's Literature: Critical Discourse Analysis of the Adult*– University of Amsterdam.
27. Parker, L (1992), *Discourse dynamics: Critical analysis or social and individual sychology*. London: Routledge.
28. Pesonen, J. (2010). Children's Literature and Informal Education: hanging Representations of Diversity in Finnish Children's Literature” Conference: ECER.